

## نقد و بررسی فرهنگ فارسی براساس متون معاصر

نیلوفر کدخدایی (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

فرهنگ فارسی براساس متون معاصر، حمزه مؤمنی‌زاده، تهران، ژرف، ۱۳۹۶، ۶۸۸ صفحه. این اثر برپایه حدود صد متن معاصر تهیه و تنظیم شده است. بخش اصلی این متون را ادبیات داستانی فارسی و ترجمه آثار غربی تشکیل می‌دهد. افزون بر این، چند اثر تحقیقی از میان آثار نویسندگان و مترجمان فصیح معاصر در زمینه ادب و تاریخ، فلسفه و اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی، سفرنامه و خاطره‌نویسی و نیز نقد شعر و مجموعه مقالات در مخزن شاهد (citation file) این فرهنگ به چشم می‌خورد.

در مقدمه بسیار کوتاه فرهنگ، درباره معیار انتخاب سرمدخل‌ها چنین آمده است: در این فرهنگ تلاش شده است ترکیبات عربی رایج در زبان فارسی، واژه‌های تنوین‌دار و نام‌های جمع مکسر عربی رایج در فارسی آورده نشود. همچنین تا آنجا که میسر بوده است از آوردن واژه‌های لاتین مصطلح در زبان فارسی اجتناب شده است. در کنار واژه‌های مرسوم و معمول که به منزله واژه‌های زبان معیار هستند، نیم‌نگاهی نیز به واژه‌های متعلق به زبان گفتار و عامیانه امروز انداخته‌ایم.

شاهد‌های این فرهنگ به منظور تألیف این اثر گردآوری شده‌اند و بر ساخته شم زبانی مؤلف یا حاصل رونویسی از فرهنگ‌های دیگر نیست. از این رو، فرهنگ فارسی براساس متون معاصر در کنار فرهنگ فارسی عامیانه (ابوالحسن نجفی)، فرهنگ بزرگ سخن (حسن انوری) و فرهنگ لغات عامیانه و معاصر (رضا انزایی‌نژاد و منصور ثروت) جزو انگشت‌شمار فرهنگ‌های پیکره‌بنیاد فارسی معاصر است، هرچند که تمامی این فرهنگ‌ها در اصل مبتنی بر مخزن شاهدند و نه «پیکره» (برای مخزن شاهد و پیکره، ← لاندو ۱۳۹۶).

ویراست پیشین این فرهنگ در قطع جیبی و برپایه مخزن شاهدهی برگرفته از چهل متن معاصر تألیف شده بود (انتشارات نیکا، ۱۳۸۸، ۷۳۶ صفحه). مقایسه این دو ویراست نشان‌دهنده کوشش بسیار مؤلف است و می‌توان امیدوار بود در ویراست بعدی این اثر، بسیاری از کاستی‌های کنونی آن برطرف شود.

در ادامه، چند پیشنهاد برای بهبود اثر در ویرایش‌های بعدی یادآور می‌شود:

۱. پیشنهاد می‌شود فهرست واژگان این اثر با فرهنگ‌های بسامدی فارسی، مانند واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز (حسنی ۱۳۸۴) و فرهنگ بسامدی براساس پیکره متنی زبان فارسی امروز (بی‌جن‌خان و محسنی ۱۳۹۱) مقابله شود. با این کار، شمار زیادی از واژه‌های بسیار پربسامد فارسی که در این فرهنگ مدخل نشده‌است، به فرهنگ افزوده خواهد شد؛ از جمله، پربسامدترین فعل‌های فارسی (بودن، کردن، شدن، داشتن، و دادن)، پربسامدترین حروف اضافه فارسی (و، در، به، و از)، پربسامدترین اسم‌های فارسی (انسان، زن، زندگی، کتاب، منطقه)، و پربسامدترین صفت‌های فارسی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عمومی، مختلف).

۲. پیشنهاد می‌شود ترکیب‌ها نیز مدخل شوند. در این فرهنگ، هیچ ترکیبی مدخل نشده‌است که برای هر فرهنگی کاستی بسیار مهمی است. برای مثال، در زبان فارسی، صدها و هزاران ترکیب پرکاربرد با اندام‌واژه‌هایی مانند پا، جگر، چشم، دست، دل، سر، و مو ساخته شده‌است، ولی در این فرهنگ، هیچ‌یک از این ترکیب‌ها مدخل نشده‌است.

۳. پیشنهاد می‌شود ناهماهنگی در تعریف‌ها اصلاح شود. برخی مدخل‌ها تعریف دارند و در برخی مدخل‌ها، به جای تعریف، چند مترادف آمده‌است. در فرهنگ‌نویسی نوین، ذکر کردن تعریف بهتر از آوردن یک یا چند مترادف است.

۴. حجم زیادی از مدخل‌های فرهنگ به اسم‌های مختوم به پسوند «ی» اختصاص یافته‌است. در دستور سنتی، به این اسم‌ها حاصل‌مصدر می‌گویند و از صفت و پسوند «ی» ساخته می‌شود. از آنجاکه معنی این اسم‌ها از جزء صفتی آن‌ها قابل تشخیص است، مدخل کردن آن‌ها در فرهنگی یک‌جلدی بی‌مورد است و به جای آن‌ها می‌توان مدخل‌های فوت‌شده دیگری را به فرهنگ افزود. برای نمونه، دربه‌دری یعنی «دربه‌درد بودن»، درویشی یعنی «درویش بودن»، دلیری یعنی «دلیر بودن»، روراستی یعنی «روراست بودن»، و شایستگی «شایسته بودن». چنان‌که دیده می‌شود معنی این

حاصل‌مصدرها شفاف است و پیشنهاد می‌شود در ویراست بعدی حذف شوند و به‌جای آن‌ها مدخل‌های دیگری افزوده شود.

۵. پیشنهاد می‌شود معنی‌های متفاوت با شماره از یکدیگر تفکیک شوند.

۶. در هر مدخل، برای تمامی معنی‌ها تنها یک شاهد آورده شده و از آنجاکه معنی‌ها از هم تفکیک نشده‌اند، مشخص نیست شاهد مربوط به کدام معنی است. از این‌رو، شاهد نه تنها معنی را روشن‌تر نمی‌کند، سردرگمی کاربر فرهنگ را نیز در پی دارد. پیشنهاد می‌شود شاهد پس از معنی مرتبط آورده شود.

۷. شاهدها بسیار طولانی‌اند. در شاهدگزینی فقط آن بخش از متن باید انتخاب شود

که به درک معنی کمک می‌کند. برای مثال، در مدخل تاریک، چنین آمده‌است:

**تاریک** بدون روشنایی یا دارای روشنایی اندک؛ آن‌ها با شاخ و برگ افسانه‌یی زیاد در میان قبایل تیره و تار؛ پیچیده؛ مبهم، مشکل: دلالت بر بدوی و افواه آن‌ها مانده‌است (مقالات تقی‌زاده: وجود اقوام و وقایعی تاریک دارد که شبیحی از (۷۵).

این شاهد همان اندازه روشن‌گر است که شاهد دوکلمه‌ای «وقایع تاریک». پیشنهاد می‌شود قسمت‌های زائد شاهدها حذف شود.

۸. در این فرهنگ، از رسم‌الخط معیار استفاده نشده‌است، حال آنکه فرهنگ کتاب مرجع است و رسم‌الخط آن باید معیاری برای کاربران باشد. برای مثال، در واژه‌هایی که تکواژ پایه آن‌ها مختوم به «ها»ی بیان حرکت است، پسوند «ای» به صورت «یی» نوشته شده‌است، مانند «افسانه‌یی» و «وسیله‌یی» (ذیل تخیلی). همچنین نشانه اضافه پس از واژه‌های مختوم به «ها»ی بیان حرکت، به‌جای آنکه طبق رسم‌الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به شکل «ه» نوشته شود، به صورت «هی» نوشته شده‌است. علاوه‌براین، گاه در اسم‌های ساخته شده از صفت مختوم به «ها»ی بیان حرکت و پسوند اسم‌ساز «-ی»، حرف «ه» حذف شده‌است، مانند «روزمره‌گی» به‌جای روزمرگی.

۹. روش آوانویسی این فرهنگ کاملاً برگرفته از روش آوانویسی فرهنگ بزرگ سخن است و کاستی‌هایی که در آوانویسی‌های آن فرهنگ وجود دارد در این فرهنگ هم وارد شده‌است. برای مثال، در آوانویسی مدخل‌هایی که با «آ»، «ا»، یا «ع» آغاز شده‌اند، بست چاکنایی آغازین ذکر شده‌است، درحالی‌که این بست چاکنایی آغازین در زبان فارسی ممیز معنی نیست و ذکر کردن آن حشو محسوب می‌شود. برای مثال، آوانویسی آباد، ابر و عشق به‌جای 'abr, 'ābād و 'ešq، بهتر است به صورت abr, ābād و ešq نوشته شود. پیشنهاد می‌شود آوانویسی‌ها با حروف غیربولد بیایند.

۱۰. پیشنهاد می‌شود اطلاعات ریشه‌شناختی و هویت دستوری افزوده شود.
۱۱. پیشنهاد می‌شود واژه‌های هم‌نام (هم‌آوا و هم‌نویسه) از آنجاکه ریشه متفاوتی دارند، در مدخل‌های مستقلی بیایند. برای مثال، پیشی (به معنی «سبقت») و پیشی (به معنی «گره») در یک مدخل آمده‌اند که بهتر است در دو مدخل مستقل بیایند.
۱۲. فهرست متن‌های تشکیل‌دهنده مخزن شاهد بر اساس نام نویسنده است، در حالی که ارجاع‌های درون متن بر اساس نام کتاب است. با این روش کاربر برای یافتن نویسنده یک شاهد باید کل فهرست را مرور کند. برای مثال، در فهرست منابع، در ردیف «م»، چنین آمده است: «موحد، ضیا. سعدی. طرح نو. چاپ اول. ۱۳۷۳». در حالی که در ارجاعات فقط «سعدی» آمده است. روشن است که کاربر در نگاه اول در نمی‌یابد «سعدی» نام کتاب است یا نام نویسنده شاهد، و حتی اگر متوجه باشد که «سعدی» به نام کتاب اشاره دارد، نمی‌داند مؤلف یا مترجم آن کیست و در نتیجه، نمی‌تواند آن را در ردیف «م» بیابد.
۱۳. صفحه‌آرایی فرهنگ حرفه‌ای نیست. در فرهنگ‌نویسی، برای کاستن از حجم فرهنگ، معمولاً تمام اطلاعات هر واحد واژگانی در یک پاراگراف و به دنبال هم آورده می‌شود. علاوه بر این، حاشیه سفید کتاب و فاصله سطرها نیز زیاد است. از آنجاکه ناشران به ندرت در فرهنگ‌نویسی و ریزه‌کاری‌های مربوط به آن تخصص دارند، فرهنگ‌نویسان باید بر این نکته‌های به ظاهر جزئی، ولی به واقع بسیار مهم، نظارت کامل داشته باشند. نیز پیشنهاد می‌شود شاهدها به صورت ایرانیک آورده شوند.
- از بررسی جزئیات این اثر چنین برمی‌آید که در تألیف آن، بیش از هر چیز به گردآوری شاهدها توجه شده و از پرداختن به دیگر نکته‌های مهم فرهنگ‌نویسی غفلت شده است. امیدواریم در ویرایش‌های بعدی، این کاستی‌ها نیز برطرف شود.

### منابع

- حمید حسنی (۱۳۸۴)، واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز، تهران، کارنون زبان ایران.
- لاندو، سیدنی آی. (۱۳۹۶)، فرهنگ‌ها؛ فن و هنر فرهنگ‌نویسی، دفتر اول: پیکره در فرهنگ‌نویسی، ترجمه فرهاد قربانزاده و سعید رفسنجانی‌نژاد، تهران، کتاب بهار.
- محمود بی‌جن‌خان و مهدی محسنی (۱۳۹۱)، فرهنگ بسامدی براساس پیکره متنی زبان فارسی امروز، تهران، دانشگاه تهران.